Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر فصلنامه ی
علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و چهارم، شماره ی۸۸
زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۱۸-۹۴

حمید درج[۱]

تقابل‌جویی و زورآزمایی آمریکا و روسیه در گرجستان

تاریخ دریافت:۱۴۰۱/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۱۰/۱۳

چکیده

اقدام نظامی گرجستان برای تسلط بر دو منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا در تابستان ۲۰۰۸ میلادی، موجب بروز بحرانی تازه در منطقه پرآشوب قفقاز گشت. حمله نظامی روسیه در پشتیبانی از این دو منطقه و شناسایی یک‌جانبه استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا، تنش‌هایی را در روابط روسیه با غرب به ویژه ایالات متحده پدید آورد. مسکو به دنبال تسلط کامل بر منطقه قفقاز و ممانعت از نفوذ آمریکا و غرب در این منطقه است. لذا جنگ گرجستان را به نوعی می‌توان تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ و سلطه منطقه‌ای واشنگتن دانست که این خود باعث تقابل‌جویی آمریکا و روسیه در گرجستان شده است. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که تقابل آمریکا و روسیه در گرجستان از چه قرار است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که با توجه به جایگاه قفقاز و گرجستان در بازیابی قدرت از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی، مقامات مسکو تداوم برتری‌خواهی و سلطه‌طلبی آمریکا در گرجستان را تهدیدی راهبردی برای خود تلقی کرده و در این راستا؛ در تلاش برای تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود و مقابله با تسلط آمریکایی‌ها بر قفقاز و گرجستان بر آمده‌اند. از سوی دیگر، تلاش گرجستان برای عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو و از طرفی، ترس روسیه از محاصره، سبب تهدید و خشم روسیه شده است که این امر کرملین را در اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه نسبت به تفلیس و از سویی، تضعیف و بیرون راندن آمریکا و غرب از قفقاز و گرجستان مصمم‌تر کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ از آنجایی که روسیه منطقه قفقاز و گرجستان را حیاط خلوت خود می‌داند؛ لذا حضور و توسعه نفوذ آمریکا و ناتو در این منطقه تهدیدی راهبردی برای کرملین محسوب می‌شود که این امر موجب واکنش روسیه و تقابل‌جویی این کشور با آمریکا در قفقاز شده است. لذا مقامات مسکو ضمن تلاش برای بازگرداندن گرجستان به مدار نفوذ خود در راستای جلوگیری از سلطه‌طلبی آمریکا در قفقاز و خزیدن ناتو به سمت شرق گام بر می‌دارند. بررسی داده‌های پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: آمریکا، روسیه، گرجستان، ناتو، موازنه تهدید.

[۱]. (**نویسنده مسئول**)، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران hamid.dorj@gmail.com

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

مقدمه

حمله گرجستان به اوستیای جنوبی و آبخازیا برای احیای وحدت سرزمینی خویش و سپس ورود روسیه به این مناقشه به نفع تجزیه‌طلبان و علیه دولت مرکزی گرجستان، صحنه منازعه را به رویارویی و زورآزمایی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد. روسیه به دنبال تفکر سنتی «روسیه بزرگ مستقل» است و برای تحقق این اندیشه نیازمند تسلط بر محورهای ژئوپلیتیکی حوزه خارج نزدیک است. روس‌ها معتقدند که کشورشان همه عوامل برای احیای مجدد و بزرگ شدن در قرن بیست و یکم را دارد و بر این مبنا بر ایفای موقعیت خود پس از جنگ سرد به عنوان بازیگر منطقه‌ای تأکید دارند. لذا روسیه در سال ۲۰۰۸، به گرجستان حمله کرد تا از بازگرداندن کنترل دولت گرجستان بر مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا که در اوایل دهه ۱۹۹۰ از گرجستان جدا شد و تحت الحمایه غیررسمی روسیه قرار گرفتند، جلوگیری کرد. روسیه تا حدی برای حفظ نفوذ خود بر گرجستان و جلوگیری از پیوستن آن به ناتو، به اشغال آبخازیا و اوستیای جنوبی ادامه می‌دهد. تسلط کامل روسیه بر این مناطق، می‌تواند گام بسیار مهمی برای احیای دوباره قدرت روسیه باشد و تسلط بر آن توسط دولت‌های غربی نه تنها سبب تأمین انرژی برای آن‌ها می‌شود؛ بلکه می‌تواند در تصوری کلان‌تر منجر به رفع و یا حداقل کاهش تهدید روسیه شود. از سویی، رفتارهای آمریکا در طول دو دهه اخیر بیانگر آن است که روسیه را در حد یک قدرت بزرگ جهانی نمی‌داند و به همین دلیل اجازه مداخله در خارج نزدیک آن را برای خود قائل است تا گزینه‌ای برای مهار روسیه در دست داشته باشد. لذا بهترین گزینه برای مهار و ضربه زدن به روسیه، نزدیک شدن به مرزهای این کشور و حضور در گرجستان است. ایالات متحده پس از محو کمونیسم و ابرقدرت شرق به عنوان رقیب سنتی خود تلاش نمود تا نقاط استراتژیک و حساس جهان را تصاحب و یا تحت نفوذ کامل خود در آورد. حضور گسترده این کشور در گرجستان با هدف مقابله‌جویی با روسیه و انزوای منطقه‌ای آن در این راستا قابل بررسی است. روسیه به طور سنتی قفقاز را حریم امنیتی و حیاط خلوت خود تلقی می‌کند و هیچ‌گونه تمایلی به حضور یک قدرت دیگر به ویژه آمریکا در این منطقه از جمله گرجستان ندارد. علاوه بر اقدامات تحریک آمیز گرجستان در همسایگی روسیه، آنچه واکنش سخت روسیه در اوستیای جنوبی را سبب شد؛ اعلام استقلال کوزوو بدون رضایت مسکو و بلگراد و پشتیبانی آمریکا و اتحادیه اروپا از آن بود که با مخالفت‌های شدید این دو کشور، به شناسایی کوزوو انجامید. هر چند گرجستان به علت داشتن شرایط مشابه در آبخازیا و اوستیای جنوبی با استقلال کوزوو موافقت نکرد؛ امّا این به تنهایی نتوانست خشم فرو خورده مسکو را فرو نشاند. از سوی دیگر باید گفت؛ گرجستان نامزد دیرینه ناتو و اتحادیه اروپا، اغلب خود را به عنوان سنگر نفوذ غرب در منطقه معرفی کرده است. تلاش‌های آمریکا جهت عضویت تفلیس در ناتو، موجبات تهدیدات و نگرانی فزاینده روسیه در حوزه خارج نزدیک به عنوان حیاط خلوت خود را نیز فراهم کرده است که این امر کرملین را در پیگیری سیاست‌های تهاجمی و جنگ‌طلبانه در قبال تفلیس مصمم‌تر کرده است. روسیه گسترش ناتو به شرق را تهدیدی برای امنیت خود می‌داند و در این رابطه، در صدد جلوگیری از خزیدن و نزدیک شدن ناتو به سمت مرزهای جغرافیایی خود شده است. نکته اساسی این که حضور ناتو به عنوان قدرت برتر نظامی در گرجستان موجب نگرانی ایران در حوزه امنیتی را نیز فراهم کرده است. هر چند بارها ایران در این موضوع تذکراتی را به گرجستان داده است؛ امّا از سوی مقابل، واکنش خاصی نسبت به حضور ناتو در گرجستان از سوی تفلیس ارائه نشده است. رزمایش‌های ناتو در این کشور با دو هدف ایجاد امنیت گرجستان در مقابل روسیه و مهار ایران هسته‌ای صورت

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

گرفت. حضور ناتو در کنار مداخله فزاینده آمریکا و اسرائیل در گرجستان و آموزش نظامی در این کشور باعث ایجاد نگرانی برای تهران و به تبع آن گسترش واگرایی میان ایران و گرجستان شده است. با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی کشور گرجستان در میان کشورهای قفقاز جنوبی و تحول و تحرک در وضعیت گرجستان چه در مناقشات داخلی که ابزارها و اهرم‌های نفوذ قدرت‌ها را سبب می‌شود و چه در ابعاد بین‌المللی که موجب توسعه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه-ای می‌شود و این تحولات و تحرکات به طور مستقیم در عمق استراتژیک کشورهای منطقه به ویژه روسیه و ایران تأثیر گذار است؛ لذا پرداختن به چنین موضوعاتی از اهمیت ویژه‌ای در مسائل سیاسی و امنیتی برخوردار است. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که تقابل آمریکا و روسیه در گرجستان از چه قرار است؟ جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی صورت می‌گیرد. پژوهش حاضر نیز در چارچوب نظریه موازنه تهدید شکل گرفته است.

چارچوب نظری

۱- نظریه موازنه تهدید

استفان والت[۲]، به عنوان یکی از مهم‌ترین رئالیست‌های تدافعی نئوکلاسیک، با بازنگری در نظریه موازنه قوا، نظریه موازنه تهدید را مطرح کرد. والت در ابتدای کتاب «ریشه‌های اتحاد»، بحث خود را با این پرسش آغاز می‌کند که چه موقع دولت-ها اتحادها را شکل می‌دهند؟ و چه عنصری انتخاب اتحادشان را تعیین می‌کند؟ آیا دولت‌ها تمایل دارند علیه قدرت‌های قوی یا تهدید کننده، با متحد شدن علیه آن‌ها، موازنه انجام دهند یا احتمالاً با متحد شدن با قدرتمندترین یا تهدید کننده‌ترین دولت‌ها، راهبردی دنباله‌روی را انتخاب کنند؟ بنا به گفته واقع‌گرایی ساختاری، دولت‌ها عمدتاً نگران امنیت خودشان هستند؛ امّا والت می‌پرسد امنیت علیه چه چیزی؟ او مدعی است که دولت‌ها امنیت از تهدید را به جای امنیت از قدرت جستجو می‌کنند؛ تمایز بین قدرت و تهدید مهم است. بنا به گفته والت، قدرت به خودی خود خنثی است و پیامدهایش می‌تواند هم خوش‌خیم و هم مخرب باشد. والت استدلال می‌کند که نظریه موازنه قدرت، توانایی‌ها و عوامل دیگری که دولتمردان هنگام بررسی گزینه‌های اتحاد در نظر دارند را نادیده می‌گیرد. تهدید و نه قدرت مرکز ثقل نگرانی‌های امنیتی کشورها در صحنه نظام بین‌الملل است (Niakoui & Sotoudeh, 2016: 121-122). از دیدگاه والت، دولت‌ها در مقابل کشورهایی که منشأ بیشترین تهدید محسوب می‌شوند؛ متحد می‌شوند. در این حالت لزوماً دولت یا دولت‌های تهدیدکننده جزء قویترین دولت‌ها نیستند. وی تهدید را افزون بر قدرت، ترکیبی از دیگر عوامل مانند توانای‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و به ویژه نیات و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند. منظور والت از تهدید، فقط به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه برداشت دولت‌ها در روابطشان از تهدید مدنظر اوست. هرگاه دولت‌ها احساس کنند که موجودیت یا منافع آن‌ها از سوی دیگر دولت‌ها با تهدید روبه‌روست، با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آن‌ها می‌پردازند(Bagheri-Chukami & Mohammadi-Al-Moti, 2015: 114). پس تأکید والت مبنی بر توازن وحشت (تهدید) است و ضرورت موازنه، ترس و وحشت از نیات بازیگر دارای قدرت است. در تعریف والت، سعی دولت‌ها افزایش توانمندی نسبی خود در رابطه با دیگر دولت‌ها است و در غیر این صورت، دولت‌ها به نقطه‌ای می‌رسند که مجبورند در برابر متجاوزی با قدرت فزاینده تسلیم شوند تا از هزینه‌های غیرضرور یا شکست جلوگیری نمایند. والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی‌کنند؛ بلکه توازن تهدید را ملاک قرار

[2]. Stephen Walt

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

می‌دهند. وی در مصاحبه‌ای اعلام نمود که دولت‌ها موازنه را نسبت به بزرگ‌ترین تهدیدات علیه امنیت خود اجرا و در پی متعادل نمودن آن‌ها هستند (Adami & Noorani, 2020: 117).

در واقع، والت برای تبیین رفتار خارجی دولت‌ها و تلاششان بـرای ایجـاد موازنه در برابر دولت‌های دیگر، یک گام از نظریه توازن قوای والتز فراتر مـی‌رود و ایـن باور را مطرح می‌کند که دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه موازنـه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولـت ایجادکننـده موازنـه، تهدیدکننده باشد. بر این اساس، از منظر والت فقط عنصر قدرت باعث رفتار موازنه‌گـرا نمی‌شود و موازنه تهدید، مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر است و قاعده اصلی رفتار موازنه‌ای سیاست خارجی است (Asadi, 2010: 237). بدین ترتیب می‌توان گفت؛ از آنجایی که قفقاز جنوبی و گرجستان از اهمیت بالایی در توسعه نفوذ و افزایش قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه برخوردار است؛ لذا حضور آمریکا و غرب در این منطقه تهدیدی استراتژیک برای مسکو تلقی می‌شود. از این‌رو، کرملین در تلاش برای مقابله‌جویی و انزوای منطقه‌ای آمریکا و غرب در قفقاز جنوبی و گرجستان بر آمده و در این راستا؛ به اقدامات تهاجمی در قبال گرجستان به عنوان منطقه ای حیاتی برای بازیابی قدرت از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی روی آورده است. نوآوری و تازگی مقاله در این است که اگرچه تاکنون تحقیقات زیادی در خصوص سیاست خارجی آمریکا و روسیه نسبت به گرجستان انجام پذیرفته است؛ ولی عمده این پژوهش‌ها با تکیه بر قدرت نرم به واکاوی و تحلیل اقدامات و سیاست خارجی این دو کشور در قبال گرجستان پرداخته‌اند؛ این در حالی است که نوشتار حاضر عمدتاً با رویکردی واقع‌بینانه و مبتنی بر منافع عینی دو کشور آمریکا و روسیه در گرجستان نگارش یافته است.

۲- اهمیت راهبردی گرجستان برای آمریکا و روسیه

در میان کشورهای قفقاز جنوبی، گرجستان از اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است. جمهوری گرجستان در مرکز و غرب منطقه قفقاز در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده که با ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت، بعد از جمهوری آذربایجان، دومین جمهوری قفقاز جنوبی از نظر وسعت و جمعیت به شمار می‌رود. بر اساس برآورد سازمان ملل متحد، جمعیت این جمهوری در سال ۲۰۰۸ حدود ۴/۶۳۰/۸۴۱ میلیون میلیون نفر برآورد شده که از این میان گرجی‌ها با ۸۳ درصد، ارمنی‌ها با ۵/۷ درصد، روس‌ها با ۱/۵ درصد و آذربایجانی‌ها با ۶/۵ درصد، دیگر اقوام ساکن در این کشور را تشکیل می‌دهند (Hazinia, 2014: 156). گرجستان از غرب به دریای سیاه محدود می‌شود که آغاز دالان طبیعی قفقاز است و دروازه ورود به قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی از سوی غرب است (Amir-Ahmadian, 2004: 79). این کشور از ویژگی‌هایی چون تنوع قومی، ملیتی و خصوصیات و روحیات خاص ملی و قومی برخوردار است. همسایگی با مناطق بحرانی چون «چچن» و «قره باغ» از دیگر وجوه خاص این کشور محسوب می‌شود. از دیگر وجوه مهم ژئوپلیتیکی گرجستان، امکان تأثیرگذاری بر عمق استراتژیک روسیه، بویژه در منطقه بسیار حساس واقع در جنوب غرب فدراسیون روسیه است. با توجه به اینکه گرجستان در جنوب فدراسیون روسیه قرار دارد؛ هر گونه تحول در وضعیت گرجستان به طور مستقیم در عمق استراتژیک روسیه تأثیرگذار خواهد بود. اشراف گرجستان بر سواحل دریای سیاه و در اختیار داشتن بنادر مهمی چون «سوپسا» (بندری با اهمیت در صدور نفت و گاز) و «پوتی»(دارای استعداد ترانزیت کالا و حتی نفت و گاز) در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه «دریای سیاه» و «اروپا» از دیگر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این کشور است. دو منطقه «اوستیای جنوبی» و «آبخازیا» در داخل گرجستان نیز به سبب روس زبان بودن اکثریت ساکنان آن‌ها و نزدیکی جغرافیایی با روسیه، از آغاز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مورد توجه مسکو بوده است (Montezemi & Soleimani-Karizmeh, 2011: 121-122).

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

گرجستان به دلیل دارا بودن منابع انرژی و برخورداری از موقعیت خاص جغرافیایی در قفقاز جنوبی، در بستر رقابت‌های ژئوپلیتیک قرار گرفته است؛ زیرا در تحلیل ژئوپلیتیک، تسلط بر مهم‌ترین منابع طبیعی انرژی و نواحی قدرت، تسلط بر تمام دنیا تلقی می‌شود. گرجستان تنها کشور قفقاز است که به آب‌های آزاد دسترسی آزادانه دارد. این ویژگی در کنار وجود معادن و منابع انرژی از جمله نفت، گاز، زغال سنگ و برق و مهم‌تر از همه نقش حلقه ارتباطی در زمینه انتقال ذخایر عظیم نفت و گاز از خزر به غرب از طریق پروژه عظیم نفتی «باکو-تفلیس-جیحان» و پروژه انتقال گاز «باکو-تفلیس-ارزروم» باعث پر اهمیت شدن این کشور و قرار گرفتن در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است (Yazdani et al., 2017: 266-267). گرجستان همواره بخشی از صحنه معادلات ژئوپلیتیک قفقاز و دریای سیاه بوده که با توجه به تأثیرگذاری در قفقاز جنوبی و رقابت قدرت‌های گوناگون در این منطقه، همواره پیش و پس از شوروی، مورد توجه بازیگران قدرتمند بوده است. در اصل ورود به قفقاز از اروپا، از مسیر دریای سیاه که سواحل شرقی آن سراسر مرزهای غربی گرجستان را تشکیل می‌دهد، انجام می‌گردد. از نظر ژئواکونومیک، گرجستان منبع اصلی دسترسی به دریای سیاه، نزدیک به منابع نفتی دیگر همسایگان، پُل ژئوپلیتیکی برای اتصال دریای خزر به دریای سیاه، قرار گرفتن در معادلات راهروی شرق به غرب و تا حدودی جنوب به شمال، عامل موازنه امنیتی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز نقطه تعادل میان روسیه، ترکیه و ایران، میان قدرت‌های منطقه‌ای و حوزه کشمکش استراتژیک روسیه، اروپا و آمریکا بوده است (Kolaei & Azizi, 2017:1051-1052).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی گرجستان

Figure1: Geographical and geopolitical location of Georgia

(Mehr News Agency, 2022: 2)

قرار گرفتن منطقه قفقاز شمالی در ترکیب فدراسیون روسیه، بر اهمیت اقتصادی و امنیتی-نظامی گرجستان می‌افزاید. این کشور همچون پُل ارتباطی انرژی قادر است تا منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان و حتی آسیای مرکزی را از راه ترکیه و دریای سیاه به اروپا منتقل کند. مسیر گرجستان به ویژه از این نظر برای آمریکا و اروپا اهمیت دارد که از

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

وابستگی آن‌ها به مسیرهای روسیه و ایران که روابط چندان خوبی با غرب ندارند، می‌کاهد. همچنین این کشور از نظر داشتن منابع اثبات شده نفت خام جهان در رده هشتم جهانی قرار گرفته است (Shafiei & Rezaei, 2011: 55). گرجستان به عنوان دریچه غرب به سمت شرق محسوب می‌شود. غربی‌ها برای دسترسی به دریای خزر و آسیای مرکزی، به این دلیل که راه روسیه دارای مشکلات سیاسی است و از ایران هم نمی‌خواهند استفاده کنند، راهی جز گرجستان ندارند. گرجستان از گذشته هم دارای اهمیت زیادی بوده است و به عنوان گذرگاه نظامی، شمال و جنوب قفقاز را به هم ارتباط داده است. انتقال نفت و گاز منطقه هم منوط به ثبات گرجستان است؛ زیرا خطوط مهم انرژی از این کشور می‌گذرد و از سوی دیگر هم برنامه‌هایی برای انتقال خطوط دیگری از این منطقه وجود دارد. از سوی دیگر، گرجستان، حیاط خلوت امنیتی روسیه است. این کشور برای دسترسی به جنوب و ارمنستان راهی جز گرجستان ندارد. هم مرزی گرجستان با برخی استان‌های روسیه که دارای مشکلات جدایی‌طلبانه هستند، بر اهمیت این کشور برای روسیه افزوده است. آمریکا هم برای این که بتواند محاصره ایران را در شمال کامل کرده و هم حضور فعالی در مرزهای جنوبی روسیه داشته باشد؛ به این منطقه چشم دوخته است. تمرین‌های مشترک نظامی با گرجستان و سفرهای متعدد مقامات بلندپایه آمریکا به این کشور کوچک و ضعیف به خوبی نشان دهنده همین مسأله است (Kohkan, 2008: 216-217). از نظر تحلیلگران سیاسی، گرجستان جایگاه مهمی در سیاست‌های راهبردی آمریکا دارد. این کشور زمینه‌ساز نفوذ آمریکا در قفقاز بوده و قفقاز نیز عامل پیشبرد سیاست‌های واشنگتن محسوب می‌شود. ایالات متحده برای تضعیف روسیه، به کنترل درآوردن ترانزیت انرژی، توسعه ناتو به شرق، مهار و کنترل اسلام‌گرایی، محدود کردن قدرت ایران، جلوگیری از تشکیل قطب مخالف، تأمین منافع و امنیت اسرائیل به حضور و نفوذ در گرجستان نیازمند است (Malkoutian & Hosseini, 2012: 161). به طور کلی گرجستان در منطقه‌ای واقع شده است که به دلیل وجود بحران‌ها و بلوک‌بندی‌ها در قفقاز شمالی و تنش‌های آذربایجان و ارمنستان دارای حساسیت و اهمیت خاصی می‌باشد که به یک مرکز مسابقه ژئوپلیتیک میان روسیه و آمریکا و نیز برای سلطه نظم دلخواه بین‌المللی تبدیل شده است (Lynch, 2006:7).

۳- چگونگی شکل‌گیری بحران گرجستان: علل و ریشه‌ها

بحران اوستیای جنوبی در اوایل ماه اوت ۲۰۰۸، به دنبال انفجار خودروی حامل نیروهای نظامی گرجستان در این منطقه که در جریان آن شش پلیس گرجی مجروح شدند؛ آغاز شد. در پی این حادثه، نیروهای نظامی گرجستان روز ۷ اوت ۲۰۰۸(۱۷ مرداد ۱۳۸۷)، با استفاده از هواپیما، توپخانه و سلاح‌های سنگین به تهاجم گسترده علیه اوستیای جنوبی دست زدند و تسخینوانی، مرکز این جمهوری را به اشغال در آوردند. روز بعد، واحدهای ارتش ۵۸ و ۷۶ و همچنین ارتش ۹۶ هوایی، دریایی و زمینی روسیه وارد منطقه مورد درگیری اوستیای جنوبی شده و بخش عمده‌ای از نیروهای گرجی را از آنجا بیرون رانده و تأسیسات نظامی و برخی اهداف راهبردی گرجستان از جمله بنادر باتومی و پوتی و شهرهای گوری و یک پایگاه نظامی این کشور را بمباران کردند. مقامات روسیه اعلام کردند: «این اقدام بر اساس قانون اساسی این کشور برای دفاع از مردم و اتباع روسیه و منافع ملی صورت گرفته است» (Sanaei & Karimi, 2012: 64-65). روسیه با این اقدام قاطع خود در پی آن برآمد که به غربی‌ها و به ویژه آمریکا بفهماند که مسکو بیش از این انقباض ژئوپلیتیکی خود را بر نخواهد تافت و برای تأمین منافع خود در این زمینه حتی به اقدام نظامی نیز متوسل خواهد شد. این اقدام روسیه تنبیه گرجستان به سبک روسی بود و حتی برای کشورهای دیگر این منطقه نیز حامل پیامی مهم برای سنجیدن ظرفیت و قدرت تحمل روسیه بود. مسکو با این اقدام، ضمن دلگرم کردن متحدین منطقه‌ای خویش هر چند

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

روسی‌هراسی را نزد برخی از دولت‌ها تقویت کرد، در عین حال این باور را نزد برخی از کشورهای منطقه ایجاد نمود که غرب به ویژه آمریکا تمایلی به دفاع جدی از متحدین خود نظیر گرجستان و اوکراین ندارند.

علاوه بر ریشه‌ها و زمینه‌های تاریخی بحران، رفتار گستاخانه غرب در تشویق گرجستان جهت ورود به ناتو و نیز تلاش‌های تفلیس برای حفظ تمامیت ارضی خود زیر چتر این سازمان که از آن به عنوان بزرگ‌ترین اشتباه غرب در این مناقشه یاد می‌شود، روسیه را در اتخاذ رویکرد تهاجمی و جنگ‌طلبانه در قبال گرجستان مصمم‌تر کرد. زیرا روسیه با وجود اوکراین و دیگر مناطق، گرجستان را صحنه برخورد نسبتاً آسان‌تری می‌دانست و دیگر این که این کشور منافع ملی خود را بیش از هر منطقه از این ناحیه در معرض خطر می‌دید (Firouzi, 2010: 110). اقدامات تبعیض‌آمیز و ناسیونالیستی دولت‌های حاکم بر گرجستان در همه سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز چندان خوشایند روسیه نبوده است و در تعارض شدید با منافع مسکو در قفقاز جنوبی بوده است. این روند در گرجستان از زمان ریاست جمهوری گامساخوردیا آغاز شده و در زمان ساکاشویلی، نخست‌وزیر پیشین گرجستان، به اوج خود رسید. اتخاذ سیاست خارجی گرجستان در جهت پیوستن به ساختارهای یورو-آتلانتیکی، ورود به شورای اروپا، پیوستن به طرح مشارکت برای صلح ناتو، همکاری نزدیک با سازمان امنیت و همکاری اروپا، زمینه‌سازی برای گسترش ناتو به قفقاز جنوبی، دعوت از نیروهای نظامی آمریکا برای بازسازی و تجهیز ارتش گرجستان، برچیدن پایگاه‌های نظامی روسیه در خاک گرجستان، دستگیری و اخراج دیپلمات‌های روس در گرجستان در سال ۲۰۰۶ به اتهام جاسوسی، تشکیل نیروهای حافظ صلح مشترک در طرح گوام برای حفاظت از لوله‌های انتقال انرژی به غرب، تبعیت و فرمانبری گرجستان از سیاست‌های واشنگتن، فراهم کردن زمینه حضور نظامی و فیزیکی آمریکا در گرجستان، اعزام ۲۰۰۰ سرباز به عراق برای کمک به ائتلاف غرب از جمله اقدامات تحریک‌برانگیز تفلیس بوده است که همگی در جهت به مخاطره افتادن منافع و امنیت مسکو بوده و زمینه ورود روس‌ها به جنگ گرجستان را فراهم کرد (Heiran-Nia & Monshipouri, 2023: 131).

گرجستان به عنوان یک کشور خط مقدم در «منطقه خاکستری» خارج از چتر امنیتی ناتو، پیگیر اهدافی همچون؛ همگرایی یورو-آتلانتیک، تقویت انعطاف‌پذیری دموکراتیک، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجاوز روسیه به خاک خود به صورت همزمان است (Kakachia & Kakabadze, 2022: 4).

دولت گرجستان احتمالاً در آینده نزدیک با دو معضل اساسی مواجه خواهد شد. معضل نخست؛ چگونگی ایجاد تعادل بین رویکرد سازگار با روسیه و تلاش‌های ادغام یورو-آتلانتیک که ماهیت ژئوپلیتیکی دارد. تهاجم ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین محدودیت‌های این رویکرد توازن بخشی را آشکار کرد. گاریباشویلی[3]، نخست وزیر گرجستان، باید به جامعه بین-المللی و به ویژه شرکای غربی خود اطمینان دهد که تعهد گرجستان به ارزش‌های یورو-آتلانتیک و یکپارچگی اروپایی بدون تغییر باقی می‌ماند. تداخل متقابل بین اهداف داخلی حزب حاکم برای حفظ خود در قدرت و هدف اصلی سیاست خارجی گرجستان یعنی ادغام و عضویت در اتحادیه اروپا معضل دوم برای دولت گرجستان محسوب می‌شود. چشم‌انداز عضویت گرجستان در اتحادیه اروپا که در نهایت به دلیل تهاجم روسیه به اوکراین در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت؛ قطعاً به اجرای اصلاحات دموکراتیک و حاکمیت قانون توسط دولت گرجستان بستگی دارد. از آنجایی که گرجستان نیاز به سرعت بخشیدن به اروپایی شدن و تغییرات دموکراتیک خود دارد؛ رژیم‌های حاکم در گرجستان عموماً تمایلی به انجام اصلاحاتی که ماندن آن‌ها در قدرت را به خطر می‌اندازد؛ از خود نشان نداده‌اند. بنابراین، اگر این روند ادامه یابد؛ ممکن است باعث سرد شدن هر چه بیشتر روابط بین غرب و گرجستان شود. دولت فعلی اگر بخواهد راه را برای عضویت

[3]. Irakli Garibashvili

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

نهایی گرجستان در اتحادیه اروپا هموار کند، باید این چرخه را بشکنند. به طور خلاصه، مسیر سیاست خارجی گرجستان در پنج سال آینده بر اساس چگونگی حل این دو معضل توسط دولت گاریباشویلی شکل خواهد گرفت (Kakachia, 2022: 6-7).

بسیاری ریشه بحران ژئوپلیتیکی گرجستان را در عنصر کلیدی قدرت جدید روسیه یعنی اهرم انرژی روسیه تحلیل می‌کنند. مجله سیاست خارجی آمریکا این دلیل را بیشتر برجسته کرده است. بدین ترتیب که گرجستان در راستای تنوع بخشیدن به منابع انرژی اروپا و کاهش وابستگی بروکسل در زمینه انرژی به روسیه نقش مهم و فعالی ایفاء نموده است. مشارکت فعال گرجستان در ساخت خطوط لوله باکو-تفلیس-جیحان و باکو-تفلیس-ارزروم حاکی از این مسأله است. این مواضع گرجستان به هیچ عنوان در راستای منافع ملی روسیه نبوده و به نظر می‌رسد؛ مسکو در صدد بی‌ثبات کردن یا حداقل ناامن جلوه دادن مسیرهای انتقال انرژی به اروپا که از خاک خود عبور نمی‌کنند؛ بوده است. در سطح بین‌المللی نیز می‌توان از اعلام استقلال یک‌جانبه کوزوو و نادیده گرفتن خواسته‌های روسیه، سازماندهی انقلاب‌های رنگین توسط غرب در حوزه منافع روسیه علیه این کشور، تلاش آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان و چک و تلاش غرب برای ورود به حیاط خلوت روسیه به عنوان عوامل تأثیرگذار بر سیاست روسیه در این مناقشه نام برد (Sanaei & Karimi, 2012: 66).

با این که گرجستان همواره اقدام روسیه را در به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا محکوم کرده است و این مناطق را جزء قلمروی خود می‌داند؛ ولی به دلیل عدم حمایت قاطع بین‌المللی به خصوص آمریکا از این کشور و اوضاع نابسامان گرجستان بعد از جنگ با روسیه و نیاز به روسیه به عنوان یک قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای و جهانی که در همسایگی‌اش قرار دارد و به شدت در تحولات داخلی این کشور مؤثر است؛ همواره خواستار عادی شدن روابط با روسیه شده است و به نوعی مسأله استقلال‌طلبی مناطقی از این کشور، به دلیل اوضاع داخلی نامساعد و احتمال تغییرات اساسی در این کشور در حالت فریز قرار گرفته است. ساکاشویلی، در این باره بیان داشت: «برای پاسخ دادن به سیاست‌های پوتین و مدودف به انزوا کشاندن مسکو راه‌حل قطعی نیست؛ بلکه باید با ادامه تعامل‌های مثبت با روسیه از رهبران کاخ کرملین بخواهیم تا با احترام به تعهدات خود در مفاد آتش‌بس با عقب‌نشینی از تمامی مناطق گرجستان مواضع خود را به شرایط پیش از جنگ ماه آگوست ۲۰۰۸ برگرداند. ما همگی امیدواریم که روسیه در آینده‌ای نزدیک به عنوان شریکی تمام‌عیار به جامعه بین‌الملل بپیوندد و این بزرگ‌ترین همکاری روسیه برای بازگشت ثبات به گرجستان است»(Darvishi Setalani & Mahmoudabadi,, 2011: 30-31). مدودف، رئیس جمهور سابق روسیه، در ۲۳ اوت ۲۰۲۳ بیان داشت که مسکو ممکن است مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا که از گرجستان جدا شده‌اند را ضمیمه خاک خود کند. وی اذعان داشت: «ایده پیوستن به روسیه هنوز در آبخازیا و اوستیای جنوبی رایج است». مدودف در ادامه افزود: «اگر نگرانی‌های ما به واقعیت نزدیک‌تر شود، منتظر نخواهیم بود». وی که از زمان حمله نیروهای روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، خود را به عنوان یکی از جنگ طلب ترین صداهای سیاسی روسیه معرفی کرده است؛ اذعان داشت: «اگر دلایل خوبی برای این الحاق وجود داشته باشد؛ احتمالاً می‌تواند اجرا شود». اگرچه روابط روسیه با گرجستان از زمان اشغال گرجستان توسط روسیه در سال ۲۰۰۸ بهبود یافته است؛ امّا مدودف غرب را به ایجاد تنش در خاک گرجستان با بحث در مورد عضویت احتمالی این کشور در ناتو متهم کرد. مقامات گرجستان بارها گفته‌اند که متعهد به پیوستن به ائتلاف نظامی تحت رهبری ایالات متحده هستند که تمامیت ارضی این کشور را حفظ می‌کند. روسیه در سپتامبر ۲۰۲۲ چهار استان اوکراین، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژژیا را الحاق کرد؛ اما هیچ یک از

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

این الحاق‌ها در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده‌اند (Reuters, 2023: 4-5). در واقع می‌توان گفت؛ از زمان استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا؛ دولت گرجستان نتوانسته هیچ گونه دخالتی در مسائل داخلی این مناطق انجام دهد و این مناطق هر کدام مسیری متفاوت برای تحکیم و تثبیت استقلال خویش تحت حمایت روسیه در پیش گرفته‌اند؛ این در حالی است که استقلال این مناطق هنوز مورد شناسایی جامعه بین‌المللی قرار نگرفته و تداوم این بحران چشم‌انداز صلح و ثبات را در غرب قفقاز و کرانه شرقی دریای سیاه خدشه‌دار کرده است و به تداوم تنش‌ها میان گرجستان و مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا منجر شده است.

۴- بحران‌های ژئوپلیتیکی و منازعات قومی در گرجستان

روابط گرجستان با روسیه از سال‌های آخر اتحاد جماهیر شوروی، زمانی که جنبش استقلال طلبانه گرجستان شروع شد؛ متشنج بوده است. ناظران سیاسی ارزیابی می‌کنند که از آن زمان، روسیه جدایی مناطق جداشده از گرجستان یعنی آبخازیا و اوستیای جنوبی را حفظ کرده است تا نفوذ خود را بر گرجستان حفظ کند و از پیوستن آن به ناتو جلوگیری کند. جمعیت آبخازیا و اوستیای جنوبی که هر دو مربوط به جمعیت‌های اقلیت در منطقه قفقاز شمالی روسیه بودند؛ از زمان استقلال گرجستان از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی، به دنبال جدا کردن آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان و ماندن در کنار روسیه هستند. در آن زمان، برخی ناظران اظهار داشتند که مقامات شوروی درگیری‌ها را برای توقف تلاش‌های گرجستان برای جدایی از اتحاد جماهیر شوروی به راه انداخته بودند، در حالی که برخی دیگر جنبش‌های جدایی‌طلبانه را یک امر داخلی می‌دانستند؛ اما مسکو آن را تسهیل می‌کرد. پس از پایان درگیری‌ها، نیروهای روسی به عنوان حافظ صلح رسماً در هر دو منطقه باقی ماندند. آبخازیا و اوستیای جنوبی مناطق کوچک، امّا دارای موقعیت استراتژیک در گرجستان هستند که تقریباً ۲۰ درصد از خاک این کشور را تشکیل می‌دهند. آبخازیا بیش از نیمی از خط ساحلی دریای سیاه در غرب گرجستان را به خود اختصاص داده است. اوستیای جنوبی در امتداد یک مسیر اصلی حمل و نقل به روسیه و نزدیک به بزرگراه اصلی شرق به غرب گرجستان واقع شده است (Welt, 2023: 13-16).

نقشه شماره ۲: موقعیت آبخازیا و اوستیای جنوبی

Figure2: Location of Abkhazia and North Osetia
(Tasnim News Agency, 2021: 2)

به گفته مقامات محلی آبخازیا، جمعیت این منطقه در سال ۲۰۱۱ حدود ۲۴۰۰۰۰ نفر (۵۰٪ آبخازی، ۱۹٪ گرجی، ۱۷٪ ارمنی و ۹٪ روسی) بود. همچنین مقامات محلی در اوستیای جنوبی اظهار داشتند که جمعیت این منطقه در سال ۲۰۱۵ حدود ۵۴۰۰۰ (۹۰٪ اوستی، ۷٪ گرجی) بود. روسیه مانند مناطق اشغالی اوکراین به ساکنان آبخازیا و اوستیای

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

جنوبی تابعیت داده است. ناظران سیاسی خاطر نشان می‌کنند که روسیه حمله سال ۲۰۰۸ خود به گرجستان را تا حدی با ادعای نیاز به دفاع از شهروندان روسیه در اوستیای جنوبی توجیه کرد (Kokaia, 2022: 5). فدراسیون روسیه از سال ۲۰۱۴ میلادی، آشکارا قدم در مسیر افزایش نفوذ خود در آبخازیا و اوستیای جنوبی گذاشته است. این اقدام روسیه مطلوب اوستیای جنوبی است؛ چون این سرزمین تمایل دارد با روسیه متحد شود؛ لذا مسکو اخیراً تمایلی به واگذاری آن ندارد. در سال ۲۰۱۷، اوستیای جنوبی خود را جمهوری اوستیای جنوبی نامید که این یک اقدام سمبولیک به سوی اتحاد مجدد با جمهوری اوستیای شمالی می‌باشد. آبخازیا درباره سلطه مسکو مرددتر است؛ اگرچه تغییر دولت در سوخومی [۴] در سال ۲۰۱۴، زمانی که خاجیمبا، کاندیدای مورد دلخواه روسیه رئیس جمهور آبخازیا شد، مسکو را در یک وضعیت بهتری برای اعمال منافع خود در سوخومی نیز قرار داد. مسکو همچنین به دنبال تحکیم نفوذ خود در سرزمین‌های تجزیه‌طلب گرجستان از طریق توافقنامه‌های رسمی می‌باشد. از سال ۲۰۱۴، مسکو به دنبال پیوندهای نزدیک‌تر با آبخازیا از طریق پیمان ائتلاف و مشارکت راهبردی و در سال ۲۰۱۵ از طریق پیمان ائتلاف و یکپارچگی می‌باشد. اقدام روسیه در جهت یکپارچگی نظامی، اقتصادی و سیاسی اوستیای جنوبی و آبخازیا یک واکنش نمادین به فرایند پیوستن گرجستان به اتحادیه اروپا می‌باشد. با این حال، پیوند یا الحاق آبخازیا و اوستیای جنوبی همان‌طور که در مورد شبه جزیره کریمه انجام شد؛ مسکو را از اهرم نفوذی که همچنان می‌تواند در روابط با تفلیس مفید باشد؛ محروم می‌کند؛ به ویژه منطقه اوستیای جنوبی که کاملاً به روسیه وابسته است (Hedenskog et al., 2018: 32-33). بدین ترتیب، روسیه در زمینه امنیتی و در راستای منافع حیاتی خود سعی دارد که ضمن تداوم حضور مستمر خود در مناطق استراتژیک و به ویژه بحرانی، کنترل مرزهای شوروی سابق را حفظ نماید و همچنین هدایت و مدیریت بحران‌هایی را که ممکن است زمینه‌ساز نفوذ غرب در منطقه باشد را به دست گیرد و از آن‌ها برای کنترل رفتار و سیاست خارجی این کشورها بهره‌برداری نماید تا زمینه تضعیف حضور قدرت‌هایی همچون آمریکا، ناتو و کشورهایی که مقامات کرملین به آن‌ها با دید بدبینی نگاه می‌کنند را فراهم آورند.

یکی از موضوعات اصلی که در چند دور مذاکرات ژنو مورد بحث قرار گرفت؛ تعهد به عدم استفاده از زور است. گرجستان یک تعهد یک طرفه به عدم استفاده از زور در نوامبر ۲۰۱۰ انجام داد و تأکید کرده است که روسیه باید نیز چنین کند. دولت روسیه از انجام چنین امری اجتناب کرده و ادعا کرد یک طرف منازعه نیست؛ بلکه از گرجستان می‌خواهد پیمان‌هایی را امضاء کند که عدم استفاده از زور به صورت مستقیم آبخازیا و اوستیای جنوبی را نیز شامل شود. روسیه همچنین مدام نگرانی‌های خود در زمینه روابط گرجستان با ناتو و همکاری نظامی با آمریکا را اعلام کرده است (Civil Georgia, 2015: 3).منبع مهم دیگر عدم توافق، موضوع بازگشت آی دی پی[۵](سازمان آموزشی بین‌المللی) و آوارگانی می‌باشد که عمدتاً قوم گرجی هستند؛ ولی نمایندگان آبخازیا و اوستیای جنوبی با حمایت روسیه از بحث در این زمینه خودداری کردند؛ با این توجیه که گرجستان قادر است قطعنامه‌های سالانه درباره آی دی پی در مجمع عمومی سازمان ملل به دست آورد. موضوعاتی که در این رابطه بحث شد شامل؛ آموزش زبان در مدارس مناطقی که اکثرجمعیت آن گرجی هستند و نیز موضوعات دیگری نظیر؛ آزادی رفت و آمد و مسافرت، مردم گم شده، میراث زیست‌محیطی و میراث فرهنگی نیز مورد بحث و مذاکره قرار گرفت (Hedenskog, 2018: 33). آنچه که در این سال‌ها به یک معضل تبدیل شده است؛ مسأله مرزگذاری و حدود مرزی است. سربازان مرزی سرویس امنیت فدرال روسیه مکرراً از خط مرزی رسمی

[4] - Sukhumi
[5]. IDP

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

تردد می‌کنند و چند صد متر از مرز اوستیای جنوبی به درون سرزمین گرجستان نفوذ می‌کنند. از این‌رو، ساکنان محلی گرجستان دریافتند که سرزمینشان در سرزمین تحت کنترل روسیه قرار گرفته است. روس‌ها از نقشه‌های نظامی قدیمی شوروی استفاده می‌کنند و تلاش می‌کنند تا مرز رسمی سابق را احیاء کنند؛ بدین خاطر که آسان‌تر بتوانند از آن دفاع کنند (Civil Georgia, 2017: 3). در عین حال باید توجه داشت؛ نظر به اهمیت ژئواستراتژیک مرزهای مشترک روسیه با گرجستان، مسکو همچنان هژمونی سخت‌افزاری خود در مرزهای مشترک با گرجستان را فعال نگه داشته است و در مقابل گرجستان نیز مواضع و گرایش خود به ژئوپلیتیک غرب را تقویت و مستحکم‌تر نموده است که بتواند در مقابل روسیه ایستادگی لازم را داشته باشد. از منظر ژئوکالچر، روسیه تاکنون موفقیت مؤثری در جلب میدان متحد در گرجستان به دست نیاورده است. رسوبات تاریخی ملت گرجی، روسیه را به عنوان کشور و همسایه‌ای خطرناک و تجاوزگر بازنمایی کرده است (Mottaqi Dastnaei & Qarabeigi, 2021: 173).

فراتر از منازعات حل نشده اوستیای جنوبی و آبخازیا، چندین منازعه قومی بالقوه در گرجستان وجود دارد که به نوعی با همسایگانش هم در جنوب و هم در شمال در ارتباط هستند. در آجاریا[۶] ناحیه مرزی جنوب غربی گرجستان که با ترکیه هم مرز است منازعه‌ای در سال ۲۰۱۶ پیرامون ساخت یک مسجد منجر به ایجاد تنش بین مسیحیان و گرجی‌های مسلمان شد. این امر باعث شد گرجی‌ها، ترکیه را به استفاده از آجاری‌های مسلمان برای پیشبرد منافع خود متهم کنند (Menabde, 2016: 13). همچنین خطر استفاده یا بهره‌برداری روسیه از اقلیت ارمنی در منطقه سامتسخه-جاواختی[۷] در شرق آجاریا که هم مرز با ترکیه و ارمنستان هست؛ وجود دارد و از سویی، خطر استفاده از اقلیت آذری برای دامن زدن به تنش‌ها در جنوب گرجستان که اکثریت را در نواحی مشخصی تشکیل می‌دهند؛ نیز وجود دارد. در دهه ۱۹۸۰ شاهد تنش‌ها یا برخوردهایی در این زمینه بودایم. با این وجود، امروزه فهم مشترکی در طرف گرجستانی با ارمنستان و آذربایجان در خصوص معضلات بالقوه ناشی از تشدید این شرایط تنش‌آلود به وجود آمده است. ایروان نمی‌تواند اجازه دهد روابط با تفلیس به خاطر این مسئله دچار اختلال شود. باکو به ندرت مسأله قومیت آذری در کشورهای همسایه را مطرح می‌کند (Hedenskog, 2018: 34). در طول جنگ دوم چچن، کیست‌ها که یک خرده‌گروه قومی مسیحی در پانکیسی واقع در مرز جنوب شرق گرجستان با چچن می‌باشد؛ اجازه داد تا جنگجویان چچنی از ناحیه خود به عنوان یک بهشت امن استفاده کنند. روسیه، دولت گرجستان را به خاطر پناه دادن به دشمنان روسیه سرزنش کرد. در اوایل سال ۲۰۰۰، روسیه چندین حمله بر علیه گرجستان انجام داد و جنگجویان چچنی را مورد حمله قرار داد و فشار سیاسی بر گرجستان اعمال کرد تا پناهگاه جنگجویان چچنی را انکار کند. در سال ۲۰۰۲، بعد از حملات تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گرجستانی‌ها از آمریکا دعوت کردند تا سربازان گرجی را برای انجام عملیات ضد جرم یا ضد اعمال مجرمانه در گورجی پانیکسی[۸] حمایت کند (De Waal, 2010: 190). اگرچه تنش‌های فوری در پانکیسی با ایجاد ثبات تدریجی در چچن پایان یافت؛ امّا بخش بزرگی از جنگجویان جهادی چچن که به سوریه و عراق مسافرت کرده بودند در حقیقت کیست‌های منطقه پانکیسی بودند؛ آن‌ها ممکن است هنگام بازگشت مشکلاتی را برای دولت گرجستان ایجاد کنند (Maza, 2014: 7).

[6].Ajaria
[7].Samtskhe-Javakheti
[8]. Pankisi Gorge

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

۵- تلاش گرجستان برای عضویت در ناتو

در سال ۱۹۹۷، زمانی که روسیه اعلام کرد؛ ناتو دشمنی روسیه نیست و در تضاد با منافع روسیه قرار ندارد؛ شوارد نادزه[9]، رئیس جمهور سابق گرجستان، اعلام کرد که تفلیس می‌خواهد به عضویت ناتو در آید. برخی از پژوهشگران غربی و روسی از این موضوع برای اثبات تغییر جهت سیاست گرجستان از طرفداری روسیه به طرفداری از غرب استفاده می‌کنند. در واقع، شواردنادزه می‌خواست روسیه را در فشار قرار دهد تا امتیازهایی را به ویژه در مسأله آبخازیا و اوستیای جنوبی به دست آورد. البته قبل از سال ۱۹۹۷ نیز گرجستان در تلاش برای عضویت در ناتو بود. در ۲۳ مارس ۱۹۹۴، گرجستان به طرح مشارکت برای صلح ناتو پیوست و این اقدام تفلیس زنگ خطری برای روس‌ها بود. گرجی‌ها از روسیه برای نقش داشتن در آبخازیا و مقاومتش در انجام هر کاری، خشمگین بودند. بنابراین شواردنادزه هیچ چاره‌ای نداشت؛ جز این‌که خود را از روسیه دور کند. در سال ۱۹۹۹، شواردنادزه تصمیم گرفت که گرجستان از سیستم امنیت دسته‌جمعی جامعه کشورهای مستقل خارج شود؛ زیرا از نظر او روسیه هیچ کاری برای کمک به حل مسأله تجزیه‌طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی انجام نداد یا دست کم اجازه نداد بخشی از پناهندگان گرجستان به این کشور باز گردند (Gabashvili, 2013: 56-90). اقدامات گرجستان برای پیوستن به ناتو شامل شرکت در طرح اقدام مشترک انفرادی می‌شود که در نوامبر ۲۰۰۲ و در نشست سران در پراک برای کشورهایی که خواستار عضویت در ناتو هستند، معرفی و به اجرا در آورد. اعزام نیرو به عراق، افغانستان و کوزوو نیز از دیگر اقدامات این کشور بوده است (Malkoutian & Hosseini, 2012: 162). با وقوع «انقلاب گل رز» در سال ۲۰۰۳ میلادی و با روی کار آمدن ساکاشویلی، تلاش گرجستان برای عضویت در ناتو و گسترش روابط با آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شد و گرجستان سخت به دنبال آن است تا با گسترش همکاری‌ها و عضویت در ناتو و قرار گرفتن زیر چتر حمایتی آن، موازنه‌ای از قدرت را در مقابل روسیه و حملات این کشور علیه گرجستان به وجود بیاورد و تهدیدات روسیه را برای این کشور کم‌رنگ سازد (Priego, 2008: 5). بدین ترتیب؛ اولویت گرجستان به عضویت در ناتو و گسترش همکاری‌های نظامی با آمریکا را باید در راستای تلاش تفلیس برای روس‌زدایی و تضمین امنیت خود در برابر اقدامات تهاجمی و تجاوزگرایانه مسکو دانست. این در حالی است که برای روسیه، الحاق تفلیس به ناتو به معنای ایجاد یک وضعیت استراتژیک بسیار نامطلوب، به ویژه در مناطق بی ثبات آبخازیا و اوستیای جنوبی است که این امر باعث شده است تا مسکو همچنان با به کارگیری تمام امکانات مانع از عضویت گرجستان در ناتو شود.

گسترش روابط با ایالات متحده در زمان ساکاشویلی را نمی‌توان صرفاً به رویکرد غرب‌گرایانه دولت وی نسبت داد. یکی از دلایل اصلی تلاش ساکاشویلی برای گسترش روابط با آمریکا، جلب حمایت واشنگتن از عضویت گرجستان در ناتو بود. کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا به دلیل روابط اقتصادی خود به ویژه با روسیه تمایلی به ایستادگی در برابر روسیه به خاطر عضویت گرجستان در ناتو ندارند. به همین دلیل گرجستان امیدوار است از نفوذ آمریکا در ناتو استفاده کند. ساکاشویلی با پیوستن به ناتو به دنبال تضمین امنیت گرجستان بود. به گفته سیاستمداران گرجستانی، تلاش برای پیوستن به ناتو باعث افزایش همکاری‌های راهبردی با آمریکا نیز می‌شود که خطر روسیه برای گرجستان را کاهش می‌دهد (Bijan, 2020: 482). از نظر سیاست‌مداران گرجی، تلاش برای عضویت در ناتو نیز موجب افزایش همکاری‌های راهبردی با آمریکا می‌شود که این مسأله موجب کاهش تهدید روسیه برای گرجستان می‌شود. ساکاشویلی بعد از جنگ سال ۲۰۰۸ با روسیه، به سیاست خود نسبت به روسیه ادامه داد و تلاش بیشتری برای پیوستن گرجستان

[9]. Edward Shevard Nadze

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

به ناتو انجام داد. با وجود شکست سیاست ساکاشویلی در ایجاد موازنه در برابر روسیه و انتقادها به وی به علت از دست دادن بخشی از خاک گرجستان در جنگ با روسیه، سیاست نگاه به ناتو و در کل نگاه به غرب همچنان ادامه پیدا کرد. این سیاست از نظر افکار عمومی بهترین راه مقابله با تهدید روسیه بوده است (Sazmand et al., 2018: 149). بر این اساس، در نظرسنجی‌های انجام شده از سال ۲۰۲۰ در گرجستان، حدود ۷۵ تا ۹۰ درصد از پاسخ‌دهندگان از عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و ۷۰ تا ۸۰ درصد از عضویت در ناتو حمایت کرده‌اند. در سال ۲۰۰۸، اعضای ناتو توافق کردند که گرجستان به همراه اوکراین به عضویت ناتو درآید. با این حال، هیچ یک از دو کشور مسیر مشخصی برای عضویت یا جدول زمانی مشخصی برای عضویت در نظر نگرفته‌اند که تا حدی نشان دهنده این نگرانی است که عضویت در ناتو می‌تواند منجر به افزایش خطر جنگ بین ناتو و روسیه شود (National Democratic Institute, 2023: 5). با این وجود، ناتو گرجستان را «یکی از نزدیک‌ترین شرکای ناتو» می‌داند. کمیسیون ناتو-گرجستان برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ و پس از حمله روسیه به گرجستان تأسیس شد. در اجلاس سران ناتو در ولز در سال ۲۰۱۴، رهبران ناتو یک بسته اساسی ناتو-گرجستان را برای کمک به گرجستان برای تقویت قابلیت‌های دفاعی خود ایجاد کردند. از سال ۲۰۱۴، گرجستان یکی از شرکای قابلیت‌های پیشرفته ناتو بوده است که در حال حاضر به شش کشور از جمله اوکراین اعطا شده است. در سال ۲۰۱۵، گرجستان به نیروی واکنش ناتو، یک نیروی واکنش سریع چند ملیتی، پیوست. همچنین در سال ۲۰۱۵، ناتو یک مرکز آموزشی و ارزیابی مشترک در گرجستان افتتاح کرد تا قابلیت همکاری و آمادگی عملیاتی را افزایش دهد. این مرکز میزبان سه رزمایش مشترک ناتو و گرجستان بوده است. برخی از کشورهای عضو ناتو نیز در دو مجموعه تمرین نظامی منظم تحت عنوان «روح چابک» و «شریک نجیب» به رهبری ایالات متحده و گرجستان شرکت می‌کنند. گرجستان یکی از شرکت‌کنندگان ارشد نظامی و بزرگ‌ترین مشارکت کننده غیر ناتو در مأموریت حمایت قاطع به رهبری ناتو در افغانستان بود که در سال ۲۰۲۱ پایان یافت. در افغانستان بیش از ۱۵۰۰ سرباز حضور داشت که بدون هیچ‌گونه هشدار عملیاتی خدمت کردند (Welt, 2023: 13).

گرجستان به عنوان دروازه ورودی قفقاز و حساس‌ترین بخش آن، راهبرد سیاست خارجی و امنیتی خود را در قالب پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا تعریف می‌کند. مقامات تفلیس بر این عقیده هستند که عضویت در ناتو نه تنها اعتباری برای این کشور محسوب می‌شود؛ بلکه امنیت این کشور کوچک و آسیب‌پذیر را در مقابل روسیه تضمین خواهد کرد و به دنبال آن، میزان ثبات سیاسی در جامعه با حمایت از روند دموکراسی توسط غرب افزایش می‌یابد (Amir-Ahmadian & Asgari, 2012: 8). گرجستان در سال ۲۰۱۷ میلادی، میزبان دو رزمایش نظامی ناتو بود که در آن، نزدیک به ۲۸۰۰ نظامی از گرجستان، آمریکا، انگلیس، ترکیه، آلمان، اسلوونی، اوکراین و ارمنستان حضور داشتند. رزمایش نظامی «شریک شایسته» ناتو در سال ۲۰۱۷ میلادی، در گرجستان برای سومین بار برگزار و در مقایسه با سال‌های قبلی رزمایشی گسترده‌تر بود. این رزمایش‌ها در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی، نیز برگزار شد که نتیجه آن دوام تنش با روسیه بود (Ahmadi et al., 2020: 63). در واقع، از زمان بدست آوردن استقلال در سال ۱۹۹۱ میلادی، گرجستان اساساً با مشارکت نیروهای نظامی و با استفاده از زیرساخت‌های نظامی در مأموریت‌های ناتو به رهبری ایالات متحده در افغانستان و عراق، شرکت کرده است. این کشور با افزایش همکاری دفاعی با ناتو، به تقویت ظرفیت خود در مبارزه با قاچاق کالا، به منافع استراتژیک ایالات متحده در منطقه خدمت کرده است و با پیشبرد اصلاحات دموکراتیک در منطقه‌ای که با جریانات استبدادی روبه‌رو است، در مسیر اهداف استراتژیک آمریکا گام‌های مهمی برداشته است (Pataraia, 2015: 2-4). در این زمینه جمهوری آذربایجان متقاعد شده است که ناتو و آمریکا می‌توانند نقش مهمی در پدید آوردن صلح و

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

ثبات در این کشور داشته باشند. ناتو به واسطه موفقیت‌های خود در بالکان تصویر قدرتمندی در جمهوری آذربایجان و همین طور گرجستان دارد و تلاش بی‌وقفه این کشورها می‌تواند در این راستا مورد تحلیل قرار گیرد.

امّا نکته اساسی این که اگر گرجستان می‌خواهد به عضویت ناتو وارد شود، نخست باید تنش‌ها و منازعه خود با دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی را حل‌وفصل کند. به همین دلیل ناتو با ارائه هرگونه جدول زمانی برای پیوستن گرجستان به ناتو مخالفت می‌کند. چاپ دی هوپ، دبیر کل ناتو، در اکتبر ۲۰۰۷ بیان کرد که گرجستان برای عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی باید به حل منازعات داخلی خود اقدام کند (Sazmand et al., 2018: 152). لذا اگر گرجستان بتواند از بحران ژئوپلیتیکی رهایی پیدا کند و وجهه خود را به عنوان یک بازیگر مهم و تأثیرگذار در منطقه تقویت کند؛ این کشور می‌تواند به طور قابل توجهی جایگاه سیاست خارجی خود را تقویت کند و خود را به شریکی ارزشمند برای غرب تبدیل کند. مهم‌ترین متغیر خارجی تأثیرگذار بر عضو نشدن گرجستان در ناتو، نیز سیاست روسیه نسبت به گرجستان است. روسیه مخالف پیوستن گرجستان به ناتو است و به دلیل حضور گرجستان در منطقه حیاط خلوت روسیه و این که این کشور زمانی در سیطره اتحاد شوروی بود و سودای به دست گرفتن قدرت عمل از سوی روسیه در این منطقه، گرجستان این کشور را به عنوان تهدید می‌نگرد. اگر گرجستان به عضویت ناتو درآید؛ تفلیس با استناد به ماده ۵ معاهده واشنگتن، ناتو را متحد خود برای دفاع از گرجستان در بسیاری از مواردی که روسیه تصمیم به حمله به مناطق مرزی این کشور می‌گیرد، قلمداد می‌کند (Bijan, 2020: 484-485). احتمالاً چالش‌برانگیزترین عنصر سیاست ایالات متحده در قفقاز جنوبی، روابط امنیتی آن با گرجستان و تعهد واشنگتن برای حمایت از آرمان‌های تفلیس برای عضویت در ناتو است. ایالات متحده از عضویت گرجستان در ناتو دفاع کرده و بارها رهبری این ائتلاف را برای اطمینان از باز ماندن درهای ناتو به روی گرجستان بر عهده داشته است. اما تمایل روسیه به جنگ برای جلوگیری از پیوستن همسایگان شوروی سابق به ناتو و از سویی، عدم تمایل ناتو برای دفاع از آن‌ها، بیانگر این است که عضویت گرجستان در ناتو یک چشم‌انداز بسیار دور است. وقوع تظاهرات نمادین در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اشغال اوکراین توسط روسیه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ در این راستا قابل بررسی است. البته این بدان معنا نیست که ایالات متحده و متحدانش در ناتو باید گرجستان را رها کنند؛ بلکه بر عکس، تعامل قوی دوجانبه و چندجانبه ایالات متحده با گرجستان باید برای کمک به تلاش‌های این کشور برای اصلاح نیروهای مسلح این کشور و همچنین برای بهبود قابلیت‌های دفاعی و بازدارندگی آن تداوم و گسترش یابد. عضویت ایالات متحده در ناتو برای گرجستان احتمالاً بیهوده و حتی نامطلوب خواهد بود؛ زیرا باعث ایجاد اختلاف و شکاف جدید در ناتو خواهد شد. هدف از گسترش ناتو، همان‌طور که در متن پیمان آتلانتیک شمالی ۱۹۴۹ و مطالعه گسترش ناتو در سال ۱۹۹۵ توضیح داده شده است؛ «تقویت اثربخشی و انسجام اتحاد» است. به گونه‌ای که توانایی سیاسی و نظامی ناتو را برای انجام وظایف اصلی خود در دفاع مشترک حفظ کند (Rumer et al., 2017: 28).

۶- تقابل ژئوپلیتیکی آمریکا و روسیه در گرجستان

بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و احیای نسبی قدرت در روسیه به ویژه با ورود پوتین به کاخ کرملین در سال ۲۰۰۰ میلادی، تلاش‌های این کشور برای بازگشت به قدرت گذشته و تأثیرگذاری بر مناسبات بین‌الملل آغاز شده است. بی‌شک اولین گام برای احیای قدرت گذشته، تضمین امنیت در حوزه مرزهای پهناور این کشور می‌باشد. در این بین، نگه داشتن تفلیس در جبهه روسی از مهم‌ترین اقدامات مسکو محسوب می‌شود. در سوی دیگر، آمریکا که خاطرات پرهزینه جنگ سرد و سرکشی‌های کمونیستی را از ذهن خود از یاد نبرده؛ تلاش برای مهار مسکو با ابزارهای مختلف برای جلوگیری از

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

خیزش مجدد آن را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. برای واشنگتن، نزدیکی به گرجستان و نفوذ در این کشور با اهداف مختلف از جمله داشتن گزینه‌ای برای ایجاد نگرانی برای روسیه از اهمیت مهمی برخوردار است (Yazdani et al., 2017: 269-270). تحولات گرجستان از این جهت اهمیت دارد که تبدیل به محل زورآزمایی دو قطب قدرت رقیب گردیده است و نظم کنسرتی بین‌المللی که طی دو دهه بر روابط بین‌الملل بعد از فروپاشی شوروی حاکم بود؛ را به چالش می‌کشد. تحولات اخیر و قدرت‌نمایی روسیه نشان از این دارد که مسکو از این پس قصد دارد جلوی توسعه‌طلبی غرب را در کسوت ناتو یا نهادهای مشابه دیگر در حوزه ژئوپلیتیکی خود به هر وسیله ممکن بگیرد. از نظر ژئوپلیتیکی، جغرافیای محوری قفقاز یک فرصت استراتژیک در اختیار کرملین قرار می‌دهد؛ چرا که قفقاز منطقه‌ای است که شرق را به غرب و شمال را به جنوب متصل می‌کند و به روشنی نشان می‌دهد که تسخیر این منطقه چگونه باعث سایه‌افکنی روسیه بر سراسر منطقه آسیای مرکزی و حتی خاورمیانه می‌شود. از این منظر، تحولات گرجستان روند بازگشت مجدد روسیه به سطوح فوقانی هرم قدرت در جهان را تسریع می‌کند و این به معنای ایفای نقش فعال‌تر روسیه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است. بیرون کردن آمریکا از اوراسیا، تقسیم اروپا، توافق با ترکیه، کنترل کامل منطقه قفقاز و همکاری با ایران از جمله اهداف مهم پیوند روسیه با گرجستان و منطقه قفقاز جنوبی می‌باشد (Omidi, 2009: 94).

از اسناد چشم‌انداز روسیه می‌توان نتیجه گرفت که گرجستان، بخشی از منافع حیاتی روسیه به شمار می‌رود. لذا مناقشات این کشور، بخصوص مناقشه‌های قومی در اوستیای جنوبی و آبخازیا، همواره به سیاست‌های روسیه مرتبط بوده است. مسکو به دنبال تسلّط کامل بر منطقه قفقاز و ممانعت از نفوذ غرب در این منطقه است. لذا جنگ گرجستان را به نوعی می‌توان تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ غرب دانست. مناطق جدایی‌طلب گرجستان برای روسیه بسیار حائز اهمّیت است، چرا که از یک سو، منطقه قفقاز شمالی که از چند جمهوری خودمختار در ترکیب فدراسیون روسیه تشکیل شده، همواره ناآرام است و هر از گاهی جدایی‌طلبی مانند آتش در زیر خاکستر نمایان می‌شود. از سوی دیگر، مشابهت‌های فراوان قومی، نژادی، زبانی و مذهبی میان جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی و مناطق خودمختار گرجستان می‌تواند سبب وخیم‌تر شدن آن در داخل فدراسیون روسیه گردد. بنابراین کنترل شرایط در قفقاز جنوبی و نفوذ در مناطق جدایی‌طلب از هر حیث در جهت منافع روسیه می‌باشد (Rashidi & Maleki, 2019: 186-187). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که اقدام شدید روسیه در اوستیای جنوبی، پاسخی به توسعه‌طلبی غرب به رهبری آمریکا در عرصه سنتی نفوذ کرملین محسوب می‌شود. روسیه می‌خواهد با قدرت‌نمایی، غرب را وادار به شناسایی منزلت و تفوق خود حداقل در حوزه پیرامونی این کشور نماید. مسکو به دنبال تسلّط کامل بر منطقه قفقاز و ممانعت از نفوذ غرب در این منطقه است. لذا تهاجم روس‌ها به گرجستان را به نوعی می‌توان تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ و سلطه‌طلبی غرب بر منطقه دانست.

مقامات روسی معتقدند که آمریکا با عضویت گرجستان در ناتو به همراه حلقه کشورهای اوکراین، مولداوی، لهستان، چک و مجارستان به دنبال محاصره کامل روسیه است و این سیاست غرب در گسترش دادن ناتو به شرق را عامل بر هم زننده توازن استراتژیک در محیط پیرامونی روسیه می‌داند. گرجستان به عنوان دروازه ورودی قفقاز مهم‌ترین سنگر دفاعی برای حفظ امنیت ملی روسیه در منطقه است که آخرین سنگر مقابله با تهاجم ناتو و غرب برای روسیه به شمار می‌رود (Malkoutian & Hosseini, 2012: 154-155). بدین ترتیب، روسیه منطقه قفقاز جنوبی و مخصوصاً گرجستان را حیات خلوت خود می‌داند و در صدد است تا از تمام اهرم‌های خود برای حفظ اولین و حیاتی‌ترین منطقه نفوذ خود استفاده نماید؛ لذا با استفاده از ترکیبی از قدرت سخت‌افزاری مانند اعزام و استقرار سربازان در مرز میان گرجستان و

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

مناطق جدایی‌طلب و قدرت نرم‌افزاری مانند انرژی ارزان قیمت، سیاست‌های شهروندی و دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند تا گرجستان را در مدار کرملین قرار دهد.

گرجستان که نسبت به حضور نظامی روسیه در خاک خود نیز نگران است و آن را عاملی جهت تضعیف حاکمیت خود می‌داند؛ به حضور نظامی آمریکا به عنوان ابزاری برای تقویت حاکمیت و استقلال خود و اتخاذ سیاست‌های مستقل‌تر در عرصه سیاست خارجی می‌نگرد. حضور نظامیان ایالات متحده در گرجستان می‌تواند سرآغاز تأمین امنیت خط لوله باکو - تفلیس-جیحان تلقی شود. نیروهای آبخازی تحت تسلط مسکو همواره به عنوان تهدیدی جدی برای پروژه‌های انتقال انرژی از مسیر گرجستان مطرح بوده‌اند؛ اما استقرار نظامیان آمریکایی، ضامن امنیتی مناسبی برای رهبران تفلیس و باکو می‌باشد که جهت ورود به ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی غربی تلاش می‌کنند و با عضویت در اتحادیه گوام قصد دارند نفوذ و کنترل مسکو را در منطقه کاهش دهند (Shafiei & Safari, 2012: 201-203). آمریکا با اقدامات مقتضی در تلاش برای کاهش نفوذ روسیه بر کشورهای قفقاز از جمله گرجستان و پرکردن خلأ ژئوپلیتیکی ناشی از فروپاشی شوروی برآمده است. شکستن انحصار انتقال خطوط انرژی از دست روسیه هدف بزرگ آمریکا برای ممانعت از سلطه انرژی روسیه در منطقه است؛ به گونه‌ای که حتی پیشنهاد خط لوله ترانس خزر را که بر اساس آن گاز کشورهای آسیای مرکزی از زیر بستر دریای خزر و از طریق آذربایجان-گرجستان-ترکیه به اروپا گردد را ارائه کرده است. تمامی این تلاش‌ها از سوی آمریکا و غرب جملگی نشان دهنده هدف آمریکا و متحدانش برای حضور بیشتر در منطقه و گرجستان برای منزوی کردن کشورهای ناسازگار با آنان از جمله روسیه از معادلات منطقه است (Amir-Ahmadian, 2009: 79). در واقع، آمریکا به عنوان یک بازیگر فعال در قفقاز بعد فروپاشی شوروی، اهداف مختلفی را از حضور در گرجستان دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱)- جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه و ایران در گرجستان از طریق حمایت و تقویت حکومت این کشور؛ ۲)- کنترل منابع و مسیرهای انتقال نفت و گاز منطقه خزری برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه قدرت رقیب در برابر حاکمیت آمریکا بر انرژی جهان؛ ۳)- بهبود فرصت‌های تجاری آمریکا در گرجستان، ۴)- مقابله با بنیادگرایی در قفقاز و ۵)- حمایت و تقویت محور ترکیه-گرجستان- جمهوری آذربایجان در منطقه (Mohammadi & Mahmoudi, 2022: 46).

روسیه نیز قصد دارد انحصار انرژی و خطوط انتقال آن به اروپا را که یک امتیاز بزرگ برای این کشور در عرصه چانه‌زنی‌های بین‌المللی است، نزد خود نگه دارد. از دیگر سو، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های آمریکا و اروپا برای ناکام گذاشتن این هدف مسکو، عبور و تکیه بر ترانزیت انرژی از کشورهای قفقاز جنوبی به ویژه گرجستان است که بیرون از نظارت و دسترسی مستقیم روسیه قرار دارد (Shafiei & Rezaei, 2011: 55). دیدگاه امنیتی روسیه در قفقاز بر این محور استوار شده است که از چه راه‌هایی می‌توان مانع حضور بیگانگان بویژه ناتو و آمریکا در منطقه قفقاز و نیز حرکت برخی کشورهای منطقه از جمله گرجستان به سوی این نیروهای بیگانه شد. حساسیت استراتژیک قفقاز برای روسیه را می‌توان در ارتباط با نقش مهم این منطقه در بقای فدراسیون روسیه و همچنین نقش ارتباطی قفقاز و جنبه‌های اقتصادی و انرژی آن برای روسیه جست‌وجو کرد (Abolhasan Shirazi & Naderi, 2011: 8). لذا روسیه برای کنترل همه سویه قفقاز می‌کوشد از هر ابزار ممکنی از حضور آمریکا و غرب در آنجا جلوگیری کند. روسیه خواستار این است که انرژی قفقاز از راه روسیه به بازارهای جهانی منتقل شود تا همواره ابزار انرژی را در دست داشته باشد. همسویی گرجستان با غرب در تشویق شرکت‌های غربی به انتقال انرژی منطقه از خاک گرجستان به ترکیه و از آنجا به بازارهای جهانی نه تنها روسیه را از دستیابی به هدف‌های خود در قفقاز دور کرده؛ بلکه سبب حضور بیشتر غرب

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

در قفقاز و در کنار مرزهای جنوبی روسیه شده است. زیرا آمریکا در برابر تلاش‌های روسیه، به شکل مستمر عقب راندن این کشور به مرزهای فدراسیون را دنبال کرده است (Kolaei et al., 2016: 120). آمریکا برای مهار روسیه به دسترسی به نزدیک‌ترین مرزهای این کشور نیاز دارد تا بتواند نگرانی‌های امنیتی کرملین را دو چندان کند. از این‌رو، مناسب‌ترین گزینه، گرجستان قلمداد می‌شود؛ زیرا دارای مناطق جدایی‌طلب و نزدیکی مرزی به روسیه است و یکی از مهم‌ترین مفصل‌های محاصره روسیه در حلقه گسترش ناتو به شمار می‌آید. آمریکا برای این‌که بتواند به این مهم نائل شود؛ به نفوذ در ساختارهای سیاسی کشورهای قفقاز روی آورده است. در واقع، یکی از سیاست‌های آمریکا، مقابله با بلندپروازی‌های روسیه بوده و برای اجرای این امر به توسعه نفوذ خود در قفقاز از جمله؛ گرجستان نیازمند است تا به حضور نظامی روسیه در منطقه پایان دهد (Yazdani et al., 2017: 266-272). از این‌رو، از زمان تهاجم روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸، ایالات متحده کمک‌های مالی خود را از حاکمیت و تمامیت ارضی گرجستان اعلام کرده است. در این رابطه، برای سال مالی ۲۰۲۲، کمک‌های برنامه‌ریزی شده وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده برای گرجستان در مجموع ۱۵۳ میلیون دلار به عنوان بودجه منظم و تکمیلی بود. اعتبارات مالی ۲۰۲۳ شامل حداقل ۱۳۲ میلیون دلار کمک برای گرجستان است. برای سال مالی ۲۰۲۴، درخواست بودجه وزارت امور خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی شامل ۱۲۱ میلیون دلار کمک برای گرجستان است. از سال ۲۰۱۸، وزارت دفاع ایالات متحده به نیروهای مسلح گرجستان از طریق برنامه آمادگی دفاعی گرجستان و ابتکار تقویت دفاع و بازدارندگی گرجستان و همچنین پشتیبانی از نیروهای عملیات ویژه، حوزه دریایی دریای سیاه، آگاهی و سایر نیازها کمک کرده است. ایالات متحده دو بار در سال ۲۰۱۷ و در سال ۲۰۲۱ سیستم‌های موشکی ضد تانک قابل حمل جاولین را در اختیار گرجستان قرار داده است (Welt, 2023: 21-22) که این امر ضمن کمک به کاهش نقش و قدرت مسلط روسیه در منطقه می‌تواند کمک شایانی به حضور و نفوذ گسترده واشنگتن در صحنه سیاست گرجستان نماید و در نهایت موازنه قدرت را به ضرر مسکو و هم‌پیمانان آن در منطقه تغییر دهد.

آمریکا دارای دو دسته منافع منطقه‌ای بلندمدت و کوتاه‌مدت در گرجستان است. آمریکا در راستای اهداف بلندمدت از گسترش نفوذ هر قدرت بزرگ رقیب یا هرگونه مخالفت با ارزش‌ها و منافع آمریکا در گرجستان جلوگیری می‌کند. اما در اهداف کوتاه‌مدت خود بر عدم دست‌یابی کشورها به تسلیحات کشتارجمعی و تکنولوژی پیشرفته نظامی که امنیت آمریکا و متحداناش را تهدید می‌کند، تأکید دارد (Zamanian, 2003: 260). امّا شاید بزرگ‌ترین تغییری که در رویکرد دولت بایدن در قبال قفقاز جنوبی رخ دهد؛ توافق تجارت آزاد با گرجستان به عنوان کشوری با بنادر، جاده‌ها و زیرساخت‌های راه‌آهن حیاتی باشد. توافق تجارت آزاد با گرجستان به تجار آمریکایی دسترسی بیشتری به منطقه جغرافیایی بسته قفقاز جنوبی می‌دهد و این امر نه تنها شامل سه کشور قفقاز جنوبی؛ بلکه آسیای مرکزی را نیز شامل می‌شود؛ زیرا کشتیرانی فراخزر افزایش می‌یابد و تماس‌های عمیق‌تری بین دو منطقه برقرار می‌شود (Avdaliani, 2020: 7). بدین ترتیب، آمریکا برای خنثی‌سازی مطامع بلنددامنه روسیه در حوزه خارج نزدیک و تحدید سیاست خارجی تهاجمی آن به حضور در قفقاز جنوبی نیاز دارد. بنابراین یکی از اهداف اولیه آمریکا پایان دادن به حضور نظامی روسیه در گرجستان است. امّا واقع امر آن است که آمریکا نمی‌تواند به طور مستقیم روسیه را تحت فشار قرار دهد. لذا واشنگتن به طور غیرمستقیم و کارآمد مواضع خود را تقویت می‌کند. امّا در سوی مقابل، تنها مسأله‌ای که روسیه از آمریکا می‌خواهد؛ به رسمیت شناختن حوزه‌های نفوذ کرملین به ویژه در حوزه «خارج نزدیک» است. امّا پذیرفتن این شرط مسکو از سوی واشنگتن بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که حوزه‌های نفوذ روسیه ارتباط مستقیمی با منافع آمریکا دارند. در این میان، گرجستان

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

قربانی اصلی زورآزمایی دو مرکز ثقل قدرت بین‌المللی است و تمامی شواهد حکایت از بازندگی قطعی دولت گرجستان در این بحران دارد (Omidi, 2009: 95). در واقع، گرجستان توسط سیاست‌گذاران آمریکایی به عنوان حلقه ضعیف در بین کشورهای شوروی سابق تلقی می‌شود که مسکو می‌تواند از آن به عنوان ابزاری برای برقراری تسلط بر اوراسیا استفاده کند.

گرجستان برای روسیه بخشی از منافع حیاتی این کشور به شمار می‌رود که در محدوده خارج نزدیک مسکو قرارگرفته است. لذا مناقشات این کشور بخصوص مناقشه‌های قومی در اوستیای جنوبی و آبخازیا همواره به سیاست‌های روسیه مرتبط بوده است. مسکو یک گرجستان مستقل را تحمل نخواهد کرد و می‌خواهد به مانند گذشته خود، تسلط کامل را بر منطقه قفقاز داشته باشد تا مانع از نفوذ غرب شود. لذا جنگ گرجستان برای براندازی دموکراسی و به منظور حفظ گرجستان و خارج کردن آن از اردوگاه غرب بود تا جلوی نفوذ غرب گرفته شود (Rashidi & Maleki,, 2019: 186). در واقع، روسیه سلطه‌طلبی آمریکا را بر نمی‌تابد و به دنبال به چالش کشیدن نظام تک‌قطبی دلخواه آمریکا و ممانعت از ورود آن به حوزه خارج نزدیک خود است. این فرصت تا حدودی در رویارویی نظامی روسیه و گرجستان که منجر به تقابل روسیه با غرب گشت؛ مهیا شد که با توجه به عدم حمایت‌های جدی و مشکلات داخلی آمریکا در این بحران، روسیه تلاش کرد با بهره‌گیری از ضعف نفوذ ایالات متحده به بازسازی جایگاه خود در این منطقه بپردازد. مسکو به دنبال تثبیت قدرت خود به عنوان یک قدرت جهانی است تا به واشنگتن پیام دهد از این به بعد باید روسیه را در جایگاه یک قدرت برتر منطقه‌ای بشناسد و به منافع این کشور در مناطق پیرامونی‌اش توجه نماید. لذا کرملین در صدد جلوگیری از پرسه زدن آمریکا در مناطقی است که این کشور در آن مناطق از منافع بالایی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

گرجستان به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک و قرار گرفتن در وسط منطقه قفقاز و دسترسی به دریای سیاه، باعث شده که این جمهوری همواره از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار باشد. این کشور همانند سایر جمهوری‌های استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق، پس از کسب استقلال در سال ۱۹۹۱ میلادی، با چالش‌های عمده‌ای روبه رو بوده که یکی از مهم‌ترین این مسائل که دولت‌های گرجستان با آن درگیر بوده؛ مناقشات داخلی شامل مناطق آجارا، آبخازیا و اوستیای جنوبی بوده است. این مناقشات در واقع اهرم‌ها و ابزارهای نفوذی روسیه در گرجستان تلقی می‌گردند و مسکو از همان ابتدای استقلال این کشور، همواره بهره‌برداری مطلوب و منطبق با منافع ملی خود را در چارچوب سیاست فشار از طریق حضور فیزیکی و نظامی در نقاط مختلف گرجستان اعمال می‌نموده است. اوج این فشارها را در سال ۲۰۰۸ میلادی به هنگام وقوع جنگ بین دو کشور گرجستان و روسیه شاهد بودیم. بحران اوستیای جنوبی از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد. این بحران از یک سو، نشان دهنده اوج چالش و صف‌آرایی بین آمریکا و روسیه بوده و به عنوان نقطه عطف در نظام بین‌المللی قلمداد می‌شود و از سوی دیگر، در حقیقت مظهر تقابل منافع این دو کشور در منطقه قفقاز جنوبی و در گرجستان است که به صورت درگیری نظامی بروز کرد. در این بحران، روسیه با تلاش برای بازیابی قدرت از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی، خیز بزرگی برای تثبیت جایگاه بین‌المللی خود برداشته و سیاست‌های آمریکا در منطقه را که با استفاده از مؤلفه‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در پی گسترش سلطه خود بود، به چالش کشید. از سوی دیگر، ایالات متحده در تلاش است با تعقیب سیاست‌های مربوط به دوران جنگ سرد و از طریق تثبیت حضور خود در کنار مرزهای روسیه به نظام بین‌المللی تک قطبی دست پیدا کند. لذا عرصه قفقاز به

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

منظور جبران شکست‌ها و به عنوان نقطه آغازین برای عزیمت به نظام تک‌قطبی یک‌جانبه‌گرا برای دولتمردان آمریکا حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد؛ روسیه با اتکاء به مؤلفه‌های قدرتش به تأمین امنیت مناطق پیرامون خود می‌پردازد و تلاش خواهد کرد با انعقاد پیمان‌های امنیتی جدید با جمهوری‌های تازه استقلال یافته و عضو سازمان مشترک منافع، قدرت خود را در برابر غرب ارتقاء بخشد. سیاست‌های غرب‌گرایانه گرجستان و مخصوصاً دنبال کردن طرح‌های عضویت در ناتو و بستن پیمان‌های نظامی با آمریکا و از سویی، همکاری تفلیس و واشنگتن در بخش انرژی که نفوذ روسیه را در حوزه خزر محدود می‌کند؛ همگی باعث دخالت نظامی مستقیم مسکو در گرجستان شد و جنگ اوت ۲۰۰۸ میلادی که طی آن نیروهای روس در نهایت خشونت تا دروازه‌های تفلیس پیش رفتند، می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر این کشور و علیه جهت‌گیری افراطی دولت غرب‌گرای گرجستان تلقی شود. مسکو در راستای حفظ نفوذ سنتی خود در قفقاز انگیزه مضاعفی پیدا کرده است. در این راستا، کرملین تلاش غرب برای تسلط و گسترش نفوذ در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، انرژی و نظامی این منطقه از جمله گرجستان را با دقت و حساسیت رصد می‌کند و در جهت خنثی نمودن آن‌ها کوشش می‌نماید. از سوی دیگر، واقع شدن گرجستان در همسایگی نزدیک جمهوری اسلامی ایران و منطقه حساس قفقاز و مهم‌تر این که ورود قدرت‌های دیگر از جمله؛ آمریکا، اسرائیل و ناتو به این منطقه و برقراری مناسبات نظامی با گرجستان تأثیرات منفی مستقیمی بر امنیت مرزهای شمالی ایران خواهد داشت و چشم‌انداز صلح و ثبات را در این منطقه مبهم و خدشه‌دار خواهد کرد. نزدیکی دیدگاه‌های ایران با دیدگاه‌های بازیگرانی مثل ارمنستان و روسیه و تقابل با آمریکا، اسرائیل، ناتو و گرجستان، شرایط پیچیده امنیتی را در منطقه قفقاز جنوبی حاکم کرده که به ضرر منافع ملی به ویژه منافع امنیتی جمهوری اسلامی است. این مسأله هچنین باعث شکل‌گیری محورهای امنیتی متفاوتی شده است که هیچ کدام در جهت منافع ملی ایران نیستند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید از تمام امکانات موجود خود در سیاست خارجی استفاده نماید تا بتواند این تقابل‌ها و تعارضات را در منطقه کاهش و شرایط مطلوبی‌تری را در قفقاز جنوبی حاکم کند. جمهوری اسلامی ایران نیز لازم است با اتخاذ سیاستی منسجم و مدون حضور خود را در گرجستان از طریق توسعه مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی- امنیتی تقویت بخشد؛ چرا که این حضور می‌تواند از به وجود آمدن واگرایی میان تهران-تفلیس و به تبع آن به خطر افتادن امنیت ملی جمهوری اسلامی جلوگیری کند.

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

Refrences

-Abolhasan Shirazi, H. & Naderi, Z. (2011). The Confrontation of Russian and American Foreign Policy in Georgia. ***Quarterly Journal of International Relations Studies***, 12(3), 1-24. [In Persian].

-Ahmadi, Z., & Zargar, A., & Soltani, F. (2020). A Comparative Study of the Foreign Policy of the Republic of Georgia and the Republic of Armenia; Inclination towards the West or the East! (2008-2020). ***Journal of International Studies***, 66(17), 53-75. [In Persian].

-Adami, A., & Noorani, S. A. (2020). The Balance of Threats in Political Relations between the Islamic Republic of Iran and the United States of America. ***Journal of International Relations Studies***, 35, 115-144. [In Persian].

-Amir-Ahmadian, B. (2004). Georgia's Developments in the Geopolitical Scene of the Caucasus. ***Journal of Central Asia and the Caucasus Studies***, 45, 77-140. [In Persian].

-Amir-Ahmadian, B. (2009). A Study of the Causes and Consequences of the United States' Presence in the Caucasus. ***Journal of Geopolitics***, 15, 66-97. [In Persian].

-Amir-Ahmadian, B., & Asgari, H. (2012). Understanding Iran-Georgia relations since the declaration of independence based on the theories of international relations. ***Journal of Central Eurasian Studies***, 10, 1-20. [In Persian].

-Asadi, A. A. (2010). Realism and competing approaches to foreign policy. ***Journal of Strategy***, 56, 223-252. [In Persian].

- Avdaliani, E. (2020). Biden and the US policy towards the South Caucasus. ***Modern Diplomacy***, 18 December, available at: https://moderndiplomacy.eu/2020/12/18/biden-and-the-us-policy-towards-the-south-caucasus/

-Bagheri-Chukami, S., & Mohammadi-Al-Moti, M. (2015). The roots of the American controversy in facing Iran's peaceful nuclear activities with an emphasis on the balance of threat theory. ***Islamic Politics Research Quarterly***, 6(2), 111-137. [In Persian].

-Bijan, A. (2020). Russia's strategy toward nagorno-karabakh and georgia (2008-2020). **Iranian Review of Foreign Affairs**, 11(2), 467-491.

- *Civil Georgia.*(2015). **At Geneva talks Russia says Georgia's NATO integration poses security threat to region**. 2 July, Available at: https://civil.ge/archives/124727

- *Civil Georgia.*(2017). **Tbilisi says Russian troops seize farmlands adjacent to South Ossetia**. Available at: https://old.civil.ge/eng/article.php?id=30238

-Darvishi Setalani, F., & Mahmoudabadi, M. (2011). A study of the policies and positions of Russia, Georgia, America and Iran in the Russo-Georgian war (August 2008). ***Defense Policy Quarterly***, 73, 9-49. [In Persian].

- De Waal, T. (2010) ***The Caucasus: An Introduction***.Oxford: Oxford University Press, 2 nd Edition.

-Firouzi, R. (2010). The influence of Russia on the foreign policy of the republics of the Caucasus. ***Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies***, 70, 91-116. [In Persian].

- Gabashvili, N. (2013). ***The Geopolitical Curse of the Caucasus***. Tibilisi: Nodar Gabashvili.

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

-Hazinia, N. (2014). Power equations in the security environment of the South Caucasus. ***Foreign Policy Quarterly***, 28(1), 149-172. [In Persian].
- Hedenskog, J., Holmquist, E., & Norberg, J. (2018). Security in the Caucasus: *Russian policy and military posture*. FOI-R--4567—SE, 1-99
-Heiran-Nia, J. & Monshipouri, M. (2023). Raisi and Iran's foreign policy toward the South Caucasus. ***The Muslim World***, 113(1–2), 120–139.
-Kakachia, K. (2022). Georgian foreign policy strategy in uncertain times. ***Central Asia-Caucasus Analyst***, 5, 1-7
- Kakachia, K., & Kakabadze, S. (2022). Creeping finlandization or prudent foreign policy? Georgia's strategic challenges amid the Ukrainian crisis. ***Ponars Eurasia memo***, 28 March, available at: https://www.ponarseurasia.org/creeping-finlandization-or-prudent-foreign-policy-georgias-strategic-challenges-amid-the-ukrainian-crisis/
-Kokaia, L. (2022**). Abkhazia: Erasing the Georgian language**. Tibllisi: *Institute for War and Peace Reporting*. 24 November, available at: https://iwpr.net/global-voices/abkhazia-erasing-georgian-language.
-Kohkan, A. (2008). Georgian crisis and the powers present in the region. ***Yas Strategy Journal***, 15, 215-224. [In Persian].
-Kolaei, E., & Azizi, H. R. (2017), "Iran's scientific diplomacy in relations with Georgia. ***Siasat Quarterly***, 47(4), 1045-1064. [In Persian].
-Kolaei, E., Eslami, M., & Osuli, G. (2016), "Russian security activism in the South Caucasus. ***Central Asia and Caucasus Quarterly***, 95, 97-136. [In Persian].
- Lynch, D. (2006). ***Why Georgia Matters***.London: Institute for security studies.
-Malkoutian, M., & Hosseini, S. H. (2012). Georgia's strategic position and its impact on relations with Russia. ***Journal of Politics***, 42(3), 153-164. [In Persian].
- Maza, C. (2014). Georgia's Pankisi Gorge home to many of the Chechen fighters in Syria. ***The Balkanist***, 22 July, Available at: http://balkanist.net/georgia-is-home-to-many-of-the-chechenfighters-in-syria
-*Mehr News Agency*(2022). **The west seeks to open a new front of war against Russia in Georgia**. 10 December, Internet address: https://www.mehrnews.com/news/5650873/. [In Persian].
- Menabde, G. (2016). Restoration of Aziz Mosque in Adjara Reignites Debate over Ottoman Legacy in Georgia. ***Refworld***, Available at: https://www.refworld.org/docid/56baed524.html
-Mohammadi, M., & Mahmoudi, M. (2022). A study of geographical-geopolitical relations in southwest Asia (Case Study: Turkey and the Republic of Georgia). ***Afaq Humanities Monthly***, 66, 31-50. [In Persian].
-Montezemi, R., & Soleimani-Karizmeh, N. (2011). Russia and Georgia: from interactions to tensions. ***Journal of Political Science and International Relations***, 15(4), 117-142. [In Persian].
-Mottaqi Dastnaei, A., & Qarabeigi, M. (2021). Explanation of Russian geopolitical codes in the South Caucasus region based on the theory of biopolitics. ***Journal of Central Asian and Caucasus Studies***, 114,159-182. [In Persian].

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

-Niakoui, S. A., & Sotoudeh, A. A. (2016). The pattern of regional and trans-regional actors' confrontation in the internal conflicts of Syria and Iraq (2011-2015). ***Journal of Strategy***, 80, 117-151. [In Persian].

-Omidi, A. (2009). Reasons for the prolongation of the domestic crisis in Georgia after the rose revolution. ***Journal of Central Asia and the Caucasus***, 66(2), 79-102. [In Persian].

- Pataraia, T.(2015). Energy transit and security imbalance in South Caucasus: The road between Russia and the European Union. ***Heinrich Boll Stiftung South Caucasus***, 30 March, Available at: https://ge.boell.org/sites/default/files/uploads/2015/03/energy_eng-final_1.pdf

-Priego, A. (2008). NATO cooperation towards South Caucasus. ***Quarterly Of Caucasian Review of International Affairs***, 2(1), 50-57.

-Rashidi, A., & Maleki, M. (2019). Russian interests and crises in the South Caucasus region. ***Politics and International Relations Bi-Quarterly***, 5(3), 167-193. [In Persian].

-Reuters. (2023). **Russia may annex Georgian breakaway regions –Medvedev**. 23 August, available at: https://www.reuters.com/world/europe/russia-may-annex-georgian-breakaway-regions-medvedev-2023-08-22/

- Rumer, E., & Sokolsky, R., & Stronski, P. (2017). U.S. policy toward the South Caucasus: Take Three. ***Carnegie Endowment for International Peace***, 31 May, available at: https://carnegieendowment.org/2017/05/31/u.s.-policy-toward-south-caucasus-take-three-pub-70122

-Sazmand, B., Bijan, A., & Taghipour, M. (2018), "The Russian threat and its impact on Georgia's security policies***". Journal of Central Eurasian Studies***, 11, 141-155. [In Persian].

-Sanaei, M., & Karimi, K. (2012). A study and comparison of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and the Russian federation in the South Caucasus. ***Journal of Central Asian and Caucasus***, 79, 49-81. [In Persian].

-Shafiei, I., & Safari, A. K. (2012). The formation of the New Cold War in the competition between the US and Russia in the Caucasus region. **Quarterly Journal of International Political Research**, 12(4), 185-229. [In Persian].

-Shafiei, N., & Rezaei, M. (2011). The war between Russia and Georgia: Influential grounds and drivers. ***Quarterly Journal of Central Eurasian Studies***, 9(4), 39-58. [In Persian].

-*Tasnim News Agency*(2021). Russia**: America and NATO are serious obstacles to stability and security in the Caucasus region**. 27 March, Internet address: https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/01/07/2475422. [In Persian].

-Welt, C.(2023). ***Georgia: Background and U.S. Policy***. NewYork: Congressional Research Service.

-Yazdani, E. o., Ainevand, H. & Bagheri-Ajieh, A. (2017).The role of America and Russia in geopolitical crises Georgia and Ukraine. ***Quarterly Journal of World Politics***, 5(4), 259-261.

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

US-Russia confrontation and coercion in Georgia

Hamid Dorj
University of Guilan, Guilan, Iran.
hamid.dorj@gmail.com (Corresponding Author)

Abstract
Georgia's military action to dominate the two separatist regions of South Ossetia and Abkhazia in the summer of 2008 caused a new crisis in the turbulent Caucasus region. Russia's military attack in support of these two regions and the unilateral recognition of the independence of South Ossetia and Abkhazia created tensions in Russia's relations with the West, especially the United States. Moscow seeks complete dominance over the Caucasus region and prevents American and Western influence in this region. Therefore, the Georgian war can be seen as Russia's attempt to counter Washington's regional influence and dominance, which has led to confrontation between the United States and Russia in Georgia. Thus, the main question of the research is what is the nature of the confrontation between the United States and Russia in Georgia? The main hypothesis of the article is that, considering the position of the Caucasus and Georgia in the recovery of the lost power of the Soviet Union, Moscow officials consider the continuation of American hegemony and hegemony in Georgia to be a strategic threat to themselves and in this regard; They have come out in an effort to consolidate their regional position and confront the American dominance over the Caucasus and Georgia. On the other hand,
Georgia's efforts to join the European Union and NATO, and on the other hand, Russia's fear of encirclement, have caused threats and anger from Russia, which has made the Kremlin more determined to adopt warlike policies towards Tbilisi and, on the other hand, to weaken and expel the United States and the West from the Caucasus and Georgia. The research findings show that since Russia considers the Caucasus and Georgia to be its backyard, the presence and expansion of American and NATO influence in this region is a strategic threat to the Kremlin, which has caused Russia to react and confront the United States in the Caucasus. Therefore, Moscow authorities are trying to bring Georgia back into their sphere of influence in order to prevent American hegemony in the Caucasus and NATO's creeping eastward.

Keywords: US, Russia, Georgia, NATO, threat balance

Introduction
Given the geopolitical importance of Georgia among the South Caucasus countries and the changes and dynamics in the situation in Georgia, both in internal conflicts that create tools and levers for the influence of powers and in international dimensions that lead to the expansion of the influence of regional and trans-regional powers, and these changes and dynamics directly affect the strategic depth of the countries in the region, especially

Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir at 22:05 IRST on Saturday December 13th 2025

Russia and Iran; therefore, addressing such issues is of particular importance in political and security issues.

Materials and Methods

The method used in this research is based on a descriptive-analytical approach and, depending on the nature and type of the subject under study, data and information are collected using various methods, generally based on library methods and searches on the Internet, databases, quarterly journals and specialized magazines. The type of research is applied-developmental, which researchers in the field of political geography, international relations, regional studies, and diplomats of the Ministry of Foreign Affairs can use in line with their specialized affairs.

Discussion and Conclusion

Georgia, due to its geopolitical characteristics and its location in the middle of the Caucasus region and access to the Black Sea, has always been of considerable importance to regional and international actors. Like other independent republics of the former Soviet Union, this country has faced major challenges since gaining independence in 1991, one of the most important issues that the Georgian governments have been involved in; internal conflicts involving the regions of Adjara, Abkhazia and South Ossetia. These conflicts are actually considered levers and tools of Russian influence in Georgia, and Moscow has always applied its desired and national interests in the framework of a policy of pressure through physical and military presence in various parts of Georgia since the beginning of the country's independence. We witnessed the peak of these pressures in 2008 when the war broke out between the two countries of Georgia and Russia. In this crisis, Russia, by trying to recover the lost power of the Soviet Union, took a major leap to consolidate its international position and challenged the US policies in the region, which sought to expand its dominance using various software and hardware components. On the other hand, the United States is trying to achieve a unipolar international system by pursuing Cold War-era policies and by establishing its presence along Russia's borders. Georgia's pro-Western policies, especially pursuing plans for NATO membership and concluding military agreements with the US, and on the other hand, cooperation between Tbilisi and Washington in the energy sector, which limits Russian influence in the Caspian region; all of which led to Moscow's direct military intervention in Georgia, and the August 2008 war, during which Russian forces advanced to the gates of Tbilisi with extreme violence, can be seen as a lever of pressure on this country and against the extreme orientation of the pro-Western Georgian government.